

بررسی فهم زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری

الهه علیخانی^{*۱}

۱-استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز آموزشی صنایع شیر تهران شهرداد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Alaheh.alikhani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

چکیده

کاهش تمایل به فرزندآوری در دهه‌های اخیر، نگرانی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف را در ایران برانگیخته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی درک و نگرش زنان شاغل جنوب تهران نسبت به فرزندآوری انجام شده است. این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته و از مصاحبه عمیق برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش زنان شاغل نسبت به فرزندآوری تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. زنان مشارکت‌کننده در این مطالعه، فرزندآوری را نه به عنوان یک ضرورت سنتی، بلکه امری وابسته به شرایط فردی، اقتصادی، شغلی و سبک زندگی خود می‌دانند. بسیاری از آنان دغدغه‌هایی چون ناتوانی در تأمین هزینه‌های فرزندپروری، دشواری در ایجاد تعادل بین نقش مادری و شغلی و نگرانی از آینده فرزندان را از دلایل اصلی کاهش تمایل به فرزندآوری عنوان کردند. در مجموع، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که فهم جدید زنان شاغل از مفهوم مادری و باروری، آنان را به سمت انتخاب آگاهانه‌تر و گاه اجتناب از فرزندآوری سوق داده است. این تحول نگرشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در کاهش نرخ باروری در مناطق شهری، به‌ویژه در میان زنان شاغل، تلقی شود.

واژگان کلیدی: خانواده، فرزند آوری، باروری، زنان، فهم.

۱- مقدمه

خانواده به عنوان اولین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در همه جوامع و در همه اعصار وجود داشته و با وجود تغییرات گسترده‌ای که نسبت به آن صورت گرفته، هنوز جایگاه و منزلت خود را حفظ کرده است (حقیقی مهر، ۱۳۸۴). از خانواده تعاریف متعددی ارائه شده است؛ گروهی از محققان علوم اجتماعی خانواده را به عنوان واحدی متشکل از یک زوج می‌دانند که با پیوند مورد تأیید جامعه از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش در ارتباط متقابل قرار گیرند، طی یک دوره زمانی نامشخص باهم زندگی کرده، زادوولد می‌کنند و فرزندان تربیت می‌کنند (آقابخشی، ۱۳۷۸). خانواده قدیمی‌ترین نهاد بشری و منشأ افزایش اعضاء و گسترش جمعیت یک جامعه می‌باشد (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴). طی فرآیند مدرنیته در ایران، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی همانند کاهش نرخ رشد جمعیت، کاهش بی‌سوادی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش امید به زندگی، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی، گسترش شهرنشینی و مانند آن‌ها رشد چشمگیری داشته‌اند. این پیشرفت‌ها هم شامل ابعاد مادی و تکنولوژیکی و هم ارزش‌های غیرمادی و نگرش و باورهای فردی و اجتماعی است. تغییرات ارزشی در حوزه خانواده که یکی از نشانه‌های مدرنیته است، علاوه بر این‌که خود پیرو تغییرات ارزشی جامعه است، ارزش‌های اجتماعی را نیز شکل می‌دهد. یکی از کنش‌های مهم و مطرح در حوزه خانواده، کنش فرزند آوری و تمایلات فرزند خواهی است که کاهش تمایل به این کنش، در دهه‌های اخیر، توجه و نگرانی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف را در برداشته است (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴). کاهش بی‌سابقه باروری ایران در دو دهه اخیر، بیش از هر چیز ریشه در «پیشرفت فرهنگی و اجتماعی» دارد به عبارت دیگر پیدایش یک محیط فرهنگی جدید که موافق و همساز با بعد محدود خانواده بود، فرصت مغتنمی را فراهم آورد تا در سایه آن خدمات حکومتی کنترل جمعیت با استقبال عامه مردم مواجه شود (فولادی، ۱۳۹۰). به دلیل انقلاب علمی و صنعتی به وقوع پیوسته در غرب، کارکرد خانواده دگرگون شد. همراه با گسترش وسایل کنترل بارداری که به تفکیک کارکرد تولیدمثل از ارضای غریزه جنسی شده است، کارکرد تولیدمثل نیز طی دهه‌های مختلف دچار نوساناتی شده است (بستان و همکاران، ۱۳۸۸).

به گفته محبوب فر، کشور ایران در کاهش موالید و سقوط فرزند آوری به‌ویژه در چند سال اخیر، رتبه نخست جهان را به خود اختصاص داده است. این جامعه‌شناس عنوان می‌کند: «من معتقد هستم که برخلاف گذشته جوان‌های ایرانی فرزند داشتن را اجبار، نه بلکه یک انتخاب می‌دانند. بالا رفتن سطح تحصیلات و رغبت بیشتر زنان به اشتغال و استقلال مالی و به تبع آن افزایش سن ازدواج یا حتی کاهش ازدواج در کنار گرایش به سمت فردگرایی در جامعه از عوامل اصلی کاهش نرخ رشد جمعیت ایران محسوب می‌شوند» (انتخاب، ۱۳۹۹).

این پژوهش بر آن است تا عواملی را که منجر به کاهش تمایل زنان جنوب تهران به فرزند آوری می‌شود را مورد بررسی و کاوش قرار دهد. درواقع سؤال اصلی این پژوهش این است که: فهم و درک زنان شاغل جنوب تهران نسبت به فرزند آوری چگونه است؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

با بررسی‌های صورت گرفته در باب فرزند آوری می‌توان پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص را بدین صورت نام برد: کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزند آوری و برخی عوامل مرتبط با آن: در این پژوهش به این مطلب رسیده شده که مشارکت اجتماعی تأثیر کاهنده ولی متغیر و گرایش مذهبی تأثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزند آوری داشته است. کشاورز و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزند آوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹ - ۲۰ ساله شهر اصفهان): در این پژوهش نکته‌های مهم این بود که هر چه سن زنان در هنگام ازدواج بیشتر بوده است، تأخیر در فرزند آوری کمتر بوده است. همچنین تأثیر قدرت زن در خانواده، مهم‌ترین نقش را در تأخیر در فرزند آوری در

خانواده داشته است. موسی و قافله باشی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی جایگاه و نگرش به فرزند آوری در خانواده‌های جوان ایرانی نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل چون اعتقاد، فرهنگی، هویت شناختی و جسمانی بر نگرش منفی خانواده‌های جوان به فرزند آوری تأثیرگذار بوده است. ایمان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر گرایش به فرزند آوری زنان شهر تهران به شناخت متغیرهای حمایت اجتماعی، اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی بر گرایش به بارداری مجدد پرداخته‌اند، بر اساس این بررسی بین متغیر حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنادار وجود دارد اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معناداری به دست نیامده است. در پژوهش کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزند آوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران) متغیرهای مورد بررسی شده همچون اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، مصرف محصولات فرهنگی، سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه فرهنگی حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزند آوری را تبیین می‌کنند. عبدالحی و رحیمی (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان بساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزند آوری و موانع پیش رو: مطالعه موردی کاربران اینترنتی به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه رویکرد انتقادی کاربران در خصوص موانع پیش روی فرزند آوری به سیاست‌گذاری و مسئولیت مربوط معطوف است، ولی تغییر نگرش و رفتار مردم نقش پررنگ‌تری در نهاده شدن فرزند آوری پایین در جامعه دارد و این به معنای آن است که تحقق سیاست‌های افزایش فرزند آوری، نیازمند توجه سیاست‌گذاران به الگوهای رفتاری نهاده شده در بین مردم است. مشفق و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزند آوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور شاغل بودن و گروه شغلی اثرات معناداری بر تمایلات فرزند آوری و فاصله‌گذاری بین موالید دارد و از نظر آماری تفاوت‌ها بین میانگین تعداد فرزندان و تمایل به فرزند آوری زنان شاغل و غیر شاغل معنادار است. نتایج پژوهش پژمان و افشاری (۱۳۹۶) مطالعه جامعه‌شناختی نگرش مردم به فرزند آوری در استان همدان حاکی از آن است که سه متغیر فرزند دلخواه، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و فاصله سنی بالا برای ازدواج به ترتیب توانسته‌اند تغییرات متغیر نگرش به فرزند آوری را پیش‌بینی نمایند.

۱-۲- ادبیات نظری تحقیق

۱-۱-۲- فرزند آوری از منظر قرآن و اسلام

اساساً ادیان رویکردی مساعد به پدیده باروری داشته‌اند، بامطالعه آثار مکتوب و کتب آسمانی ادیان، این نکته به‌خوبی روشن می‌شود که در همگی این کتاب‌ها، پیروان به افزایش زادوولد، باروری و کثرت نفوس ترغیب و تشویق شده‌اند. در قرآن کریم آیاتی به‌طور مستقیم و نیز غیرمستقیم به فرزند آوری اشاره داشته است. برای مثال در آیه ۵۱ سوره مبارکه انعام فرموده است: «فرزندان را از بیم فقر و نادانی نکشید، رزق و روزی آن‌ها و خود شما به عهده ماست» آیه دیگری که فرزند آوری را تأیید می‌کند، آیه ۲۲۳ سوره بقره می‌فرماید: «زنان شما کشتزار شمایند، از هر طرف خواستید به کشتزار خود درآید و درصدد پدید آوردن یادگاری و نسلی برای خود برآید». می‌توان گفت: در آیات قرآن کریم، باروری هدیه‌ای از سوی خدا به بندگان و پیروان شایسته معرفی شده است.

بسیاری از مطالعات و تجربه‌های عینی نشان داده‌اند که تولد فرزند، نقش برجسته‌ای در تحکیم خانواده ایفا می‌کند و در مقابل، ناتوانی از فرزند آوری، به‌ویژه در صورت اشتیاق وافر دو همسر، نوعی ناخرسندی طبیعی را بر زوجین تحمیل می‌کند و خانواده را به‌رغم جاذبه‌های متعدد در معرض بی‌ثباتی قرار می‌دهند (بستان، ۱۳۹۴). باوجوداین، در جوامع غربی به‌موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه، گرایش به داشتن فرزند کمتر شده است؛ زیرا فرزندان به‌طور طبیعی محدودیت‌ها و فشارهای روانی و اقتصادی متعددی را بر خانواده تحمیل می‌کنند و آزادی‌های فردی در جهت انجام فعالیت‌های دلخواه شغلی، تحصیلی و ... را به میزان قابل‌توجهی می‌کاهند؛ درنتیجه فرزندان به عاملی مؤثر در کاهش رضایت زناشویی مبدل شده‌اند که این امر موجب افزایش خانواده‌های بدون

فرزند در جوامع صنعتی شده است (بستان، ۱۳۹۴) در اسلام، این مطلب مفروض است که فرزند در مراحل مختلف حیات خود، مشکلات جسمی و روحی گوناگونی را بر والدین تحمیل می‌کند. باوجود این توصیه‌های دینی دربردارنده راهکارهایی هستند که اسلام از راه آن‌ها کوشیده است فرزندان را به‌جای آنکه عاملی برای سرخوردگی و نارضایتی والدین باشند به عاملی برای افزایش رضایت خاطر آنان و در نتیجه تحکیم پیوند زناشویی تبدیل کند. از میان این راهکارها می‌توان به تشویق فراوان نسبت به فرزند آوری و تربیت فرزندان با یادآوری ارزش‌ها و منافع دنیوی و اخروی فرزندان برای والدین، نهادینه کردن نیکی و احسان به والدین به‌منظور تقویت انگیزه‌های فرزند آوری و تربیت فرزند در آنان و در نهایت، کوشش در جهت تقویت پیوندهای خویشاوندی اشاره کرد (بستان، ۱۳۹۴).

۲-۱-۲- فرزند آوری از نظر جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی

میان نظریه و تحقیق ارتباط نزدیکی وجود دارد و در خلال تحقیق، همواره نظریه می‌تواند کمک‌کننده و سبب پدید آمدن فرضیات و اندیشه و افکار جدید شود. برای تبیین و تحلیل باروری و فرزند آوری باید به دنبال یک تعادل میان عاملیت و ساختار باشیم؛ زیرا می‌خواهیم برای درک یک کنش از فرد دریابیم که چگونه ساختار اجتماعی می‌تواند فرد را مورد تأثیر قرار دهد و چگونه عمل و کنش فردی می‌تواند بر ساختار جامعه تأثیرگذار باشد. مرجع اصلی این تبیین‌ها نظریات آنتونی گیدنز و بوردیو می‌باشند. «آنتونی گیدنز» در بررسی تحولات سه قرن اخیر بعد از صنعتی شدن، به توصیف و تبیین تحولات و دنیای مدرن و مدرنیته می‌پردازد. از نگاه او، مدرنیته و دگرگونی‌های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در برمی‌گیرد و در دنیای متجدد به طرز عمیقی در قلب، هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کند. طبق نظر کالدول باروری در دامنه میان کمترین تا بیشترین سطح، تحت تأثیر یک دسته دلایل شخصی، اجتماعی و فیزیولوژیکی است. در بین رژیم‌هایی که باروری کنترل می‌شود، این کاهش، محصول تغییرات اجتماعی است تا اقتصادی. او معتقد است: مراحل مدرنیزاسیون در کشورهای درحال توسعه انجام نشده و باروری بالا در کشورهای درحال توسعه، یک پاسخ عقلانی به شرایط اقتصادی نیست؛ بنابراین باروری هنگامی بالا یا پایین می‌رود که نگرش‌ها و باورها تغییر پیدا می‌کند و ارزش‌های باروری پایین برای افراد درونی شود (سیدمن، ۱۳۸۸).

در مقابل دیدگاه‌های اقتصادی، صاحب‌نظرانی ازجمله کللند و ویلسون و رابینسون نظریه اقتصادی باروری را موردنقد قرار داده و بیان نمودند که والدین همواره تصمیمات خود در مورد فرزندان را بر مبنای اقتصادسنجی دقیق محاسبه نمی‌کنند. آنان عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و آمال خانواده‌ها را عامل برتر در تبیین باروری دانسته و معتقدند که هرچند عوامل مدرنیزاسیون و اقتصادی ممکن است در تبیین تفاوت باروری در منطقه‌ای مؤثر باشند، ولی توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضروری است؛ بنابراین لسهاق پیشنهاد می‌کند که عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در توضیح تغییرات اخیر در الگوی ازدواج، باروری و طلاق وارد کرد. او معتقد است: گذار باروری در یک جامعه فقط از طریق رهاورد آزادی و انتخاب عقلانی امکان‌پذیر است و در جوامعی که این فرآیند را طی نکرده‌اند، همه‌چیز ازجمله تعیین‌کننده‌های باروری نیز از اختیار فردی خارج است و از طریق هنجارهای فرهنگی جامعه، به‌ویژه هنجارهای نظام اجتماعی به فرد تحمیل می‌گردد (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱). یکی دیگر از نظریه‌های مطرح‌شده، نظریه منزلت اجتماعی است. در این نظریه، متفکران و اندیشمندان، میزان باروری هر خانواده و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌دانند. خانواده با پیشرفت و ترقی حاصل‌شده در جامعه و موقعیتی که به‌عنوان یک عضو داراست، به فرزند آوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده می‌شود، آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزند آوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می‌کند (رشیدی، ۱۳۷۹). نظریه نوگرایی نیز گویای این است که نوسازی فیزیکی محیط و بازسازی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی در جامعه‌های

گونگون می‌تواند تاندازه‌ای میزان باروری را تغییر دهد و باعث شود روحیه آینده‌نگری و گرایش به زندگی که همراه با آسایش و شادکامی باشد، در اذهان مردم جاری گردد. این نظریه دنبال می‌کند که پیشرفت، توسعه و فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در ارتباط با کاهش میزان مولید به وجود آورد (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰). مک‌دونالد می‌گوید: موقعیت زنان و انگیزه آن‌ها برای فرزند آوری، در میان جمعیت و زیرگروه‌های جمعیتی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. تسهیلات یکی از تعیین‌کننده‌ها و ارکان اصلی موقعیت زنان و نوگرایی در جامعه است که به‌طور معکوس در ارتباط با باروری قرار می‌گیرد. او استدلال می‌کند که در طول قرن بیستم، انقلاب در سطوح برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور و سطح کلان (جامعه) در کشورهای پیشرفته رخ داده است. این قرن از نقطه‌ای که زنان منزلتی دون‌پایه در نهادهای فرد محور، مانند تحصیلات رسمی و اشتغال در بازار داشتند آغاز شد و با سطوح بسیار بالایی از برابری جنسیتی فراگیر در این نهادها پایان یافت. سطوح بالای برابری که توسط زنان به‌عنوان افراد، کسب‌شده بود با سطوح پایین برابری زنان در نهاد خانواده ترکیب شد، به‌گونه‌ای که از زنان انتظار می‌رود با تحصیلات بالا و مشارکت در کار فردی، نقش‌های همسری و مادری نیز ایفا کنند (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰). با بهره‌گیری از نظریه نوگرایی که کاهش فرزند آوری را از نتایج مدرنیزاسیون می‌داند و تحصیلات یکی از مؤلفه‌های آن می‌باشد و با شکل‌گیری مدرنیته، زمینه‌ها افزایش سطح تحصیلات برای افراد به‌خصوص زنان بیشتر شده و این افزایش تحصیلات، ورود به بازار کار را برای زنان فراهم می‌کند؛ زیرا با گسترش تحصیلات زنان، زمینه بهتری برای اشتغال آن‌ها در جامعه فراهم شده که هر دوی این‌ها می‌توانند سبب تأخیر در تشکیل خانواده و در نتیجه فرزند آوری دیرتر و کمتر داشته باشند (مشفق و همکاران، ۱۳۹۵).

۳- روش‌شناسی

این پژوهش به‌صورت کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام شد. پدیدارشناس به دنبال ارائه چگونگی حضور انسان در تولید کنش اجتماعی، موقعیت اجتماعی و دنیای اجتماعی است. هدف اساسی پدیدارشناسی کاهش تجربیات فردی به پدیده‌ای است که توصیف ماهوی آن به لحاظ جهانی و عمومی امکان‌پذیر شود. در این راستا، هدف دستیابی به ماهیت واقعی چیزهایی است که بررسی می‌شوند. درواقع در پدیدارشناسی، محقق به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتوانند بر اساس آن اطلاعات به توصیف مرکبی از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند. در این توصیف شیوه‌های تجربه و آنچه این افراد تجربه می‌کنند ارائه می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸). پژوهش حاضر به دنبال تجارب زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری در نظر گرفته شد و بنابراین روش نمونه‌گیری پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه بهره گرفته و هر یک از مصاحبه‌ها به‌طور تقریبی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به‌صورت تلفنی به طول انجامید. ۲۰ زن شاغل جنوب تهران مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای بررسی قابلیت اعتبار، برداشت تحقیق از مصاحبه‌ها در طول مصاحبه و پس‌از آن به مشارکت‌کنندگان ارائه گردید تا از صحت برداشت اطمینان حاصل شود. برای قابلیت اطمینان نیز تلاش شده است که بادید اکتشافی به مسئله نگریسته شود و بدون پیش‌داوری به بررسی موضوع پرداخته شود. همچنین، تمام مراحل این پژوهش زیر نظر کمیته اخلاق دانشگاه جامع علمی‌کاربردی مرکز آموزشی صنایع شیر تهران شهداد انجام شده است.

۴- یافته‌ها

جدول زیر اطلاعات جمعیت‌شناختی ۲۰ نفر از زنان شاغل مشارکت‌کننده در پژوهش را نمایش می‌دهد. این اطلاعات شامل سن، سطح تحصیلات، نوع شغل، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایدئال و میزان اشتغال هفتگی آن‌هاست. تنوع در ویژگی‌های فردی و شغلی شرکت‌کنندگان، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل عمیق‌تر نگرش‌ها و فهم آنان نسبت به فرزندآوری فراهم کرده است.

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره مصاحبه	رتبه	تحصیل	وضعیت	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان ایدئال	نوع زندگی
۱	۳۰	کارشناسی	حسابدار	۵	۱	۲	تمام وقت
۲	۲۸	کاردانی	برنامه‌نویسی	۸	۱	۲	تمام وقت
۳	۴۰	کارشناسی	دبیر	۱۸	۳	۵	نیمه وقت
۴	۳۱	کارشناسی ارشد	کارمند دفتری	۵	۰	۱	نیمه وقت
۵	۲۵	کارشناسی	پرستار	۴	باردار	۱	تمام وقت
۶	۳۳	کاردانی	حسابدار	۳	۱	۲	نیمه وقت
۷	۳۴	کارشناسی ارشد	کارمند دولتی	۲	۰	۱	نیمه وقت
۸	۳۵	کارشناسی	مترجم	۱۴	۲	۲	نیمه وقت
۹	۲۷	کارشناسی	مشاور بیمه	۸	۲	۲	نیمه وقت
۱۰	۲۴	کارشناسی	فروشنده	۶	باردار	۱	تمام وقت
۱۱	۳۲	دیپلم	مسئول تولیدی	۱۰	۰	۱	تمام وقت
۱۲	۳۲	کاردانی	منشی	۶	۲	۳	تمام وقت
۱۳	۳۰	کارشناسی	معلم	۳	۱	۲	نیمه وقت
۱۴	۳۵	دیپلم	کارمند خصوصی	۵	۲	۴	چهار روز در هفته
۱۵	۲۸	کاردانی	آرایشگر	۱۳	۳	۱	سه روز در هفته
۱۶	۳۲	کارشناسی	معلم ابتدایی	۱۰	۲	۱	نیمه وقت
۱۷	۳۶	دکتری	وکیل	۴	۰	۲	نیمه وقت
۱۸	۳۷	کارشناسی	کارمند دولتی	۱۱	۳	۲	نیمه وقت
۱۹	۴۰	دکتری	مدرس دانشگاه	۲۰	۲	۲	سه روز در هفته
۲۰	۳۹	کارشناسی ارشد	مشاور	۷	۱	۱	دو روز در هفته

۴-۱- تحلیل اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات با استفاده از روش چندمرحله‌ای مoustakas^۱ مورد تحلیل قرار گرفته بدین صورت که پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، متون مصاحبه چندین بار به دقت خوانده شد تا فهم عمیقی از آن‌ها حاصل شود و اطمینان حاصل گردد که پیش‌فرض‌های ما نسبت به پدیده دخالتی نداشته است. در دومین مرحله، افقی سازی^۲ صورت گرفت، یعنی فهرست کردن گزاره‌های اصلی متن پدیده موردبررسی و در مرحله سوم خوشه سازی و ایجاد تم‌های مشترک صورت گرفت. در ادامه توصیف متنی یعنی مقوله سازی صورت گرفت و در مرحله آخر نیز توصیف ساختار انجام گرفت. بدین صورت که محققان سعی در ساختار بخشیدن به معنی به دست آمده کرده و در نتیجه فرآیند مذکور ۲۶۰ کد توصیفی، ۲۰ کد تفسیری و در نهایت ۵ کد تبیینی حاصل شد.

1 moustakas

2 Horizontalisation

نمودار ۱: جدول تبیین مقولات



پس از بررسی و دقت فراوان در متون پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها، پنج مقوله تبیینی مهم و اساسی در مطالعه پیش رو استخراج شده و به دست آمد.

۴-۲- مقوله‌های مهم و اساسی

۴-۲-۱- فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی

یکی از دغدغه‌های مهم والدین برای فرزندان خود ایجاد محیطی مناسب و شایسته با امکانات تربیتی، پرورشی و آموزشی برای رشد و به بار نشستن فرزندان، به عنوان ثمرات زندگی آنهاست. از نظر مادران مورد مصاحبه در این پژوهش، علاوه بر اینکه محیط و فضای خانواده آنها باید محیطی پر از آرامش برای رشد فرزندان باشد، فضا و محیط جامعه نیز هم باید دارای امکانات حداقلی برای آموزش، فراگیری مهارت‌های زندگی شغلی برای فرزندان باشد و هم دارای سلامت و امنیت حداقلی که فرزندان را که با سختی و مرارت به بار می‌آورند، با اطمینان خاطر و آسودگی خیال روانه محیط‌های آموزشی و آماده شدن برای کسب مهارت‌های حرفه‌ای و ورود به بازار کار کنند. از نظر مادرانی که در این مصاحبه شرکت کردند وجود آسیب‌هایی در جامعه همچون اعتیاد، بیکاری، گرانی و تورم، وجود دوستان ناباب و آسیب‌های فضای مجازی، سبب ترس و دلهره برای فرزند آوری بیشتر آنها شده است و از دیدگاه این مادران ترس از آینده فرزندان هم که در حال حاضر دارند، به عنوان مهم‌ترین دغدغه و نگرانی آنهاست. مسائل اقتصادی و نیازهای مالی وافر برای آموزش و پرورش فرزندان، ترس از آینده فرزندان برای اشتغال و ازدواج، انحرافات اجتماعی و حتی فقدان سلامت زیست‌محیطی برای فرزندان از دیگر نکات مطرح در مصاحبه‌ها بوده است و درواقع ما را بدین نتیجه می‌رساند که قبل از تشویق خانواده‌ها به فرزند آوری و قبل از هرگونه سیاست‌گذاری جمعیتی، بنیان نهادن شایسته و اصولی و صحیح زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و محیطی هم در زمان رشد و پرورش فرزندان و هم برای برنامه‌ریزی اشتغال، ازدواج و مسکن برای آینده آنها بسیار لازم و ضرورتی انکارناپذیر است. درواقع باید سیاست‌های حمایتی هم برای پدران و مادرانی

که قصد فرزند آوری دارند در نظر گرفته شود و هم سیاست‌های خاص حمایتی فرزندان را از لحظه تولد تا فرزند دار شدن خود آن‌ها در نظر داشت و زیرساخت‌های لازم این حمایت‌ها را فراهم و مهیا کرد. مهین، ۳۱ ساله: «توی این شرایط اقتصادی وحشتناک، خودمان هم نمی‌دونیم چه آینده‌ای خواهیم داشت؛ اونوقت چطور می‌تونیم به فکر بچه‌دار شدن باشیم؟ من و همسرم تصمیم گرفتیم بچه نداشته باشیم یا اگر هم داشته باشیم فقط یک بچه».

۴-۲-۲- عدم توجه به نقش‌های جنسیتی

جامعه‌پذیری جنسیتی و توجه به نقش‌های جنسیتی همواره بحث مهمی است. از نظر زنان مورد مصاحبه هنوز هم بعضی از افراد، تمام مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری را بر عهده زنان می‌دانند و حتی این امر سبب بروز این شده است که زنان شاغل را دو شغله یا چندشغله بنامند. زنان شاغل مورد مصاحبه از تعدد نقش‌های خود و گاه تعارض این نقش‌ها با یکدیگر و فشار جسمی و روحی وارد بر آن‌ها ناراحت و شاکی بوده و معتقد بودند که اگر فرزندی به فرزندانشان اضافه شود و یا آن‌ها که فرزند نداشتند، فرزند دار شوند، مهم‌ترین دغدغه فکری آن‌ها دغدغه مراقبت و تربیت فرزند است و اینکه این هم‌بار و مسئولیت سنگین دیگری بر دوش آن‌ها خواهد گذاشت. آن‌ها تأکید داشتند که معمولاً در انجام کارهای منزل و خانه‌داری همسرشان حمایت چندانی ندارد و سرگرم انجام مسئولیت‌ها و کارهای خارج از منزل خود است و درواقع در مراقبت و نگهداری و تربیت فرزندان هم آن‌چنان‌که باید و شاید نقش مهمی ایفا نمی‌کند. در این مقوله تربیت جنسیتی و جامعه‌پذیر کردن جنسیتی از دوران کودکی باید در خانواده‌ها به فرزندان آموزش داده شود که در آینده بتوانند در تمام مسائل و امورات زندگی و مخصوصاً پرورش و تربیت فرزند با همسر خود مشارکت داشته باشند. هدی، ۴۰ ساله: «من از صبح که بیدار میشم می‌فهمم اولاً از کدوم کار باید شروع کنم؟! کارهای تدریس و پژوهش دانشگاه هست، کارهای بچه‌ها و مدرسه اون‌ها، کارهای خونه و همسر داری، تازه باید هوای پدر و مادر میان‌سالم رو هم داشته باشم. به نظرم از عهده تربیت و به بار نشوندن همین دو فرزند با این همه مسئولیت، هنر کردم».

۴-۲-۳- تحول در باور داشت‌ها و نگرش‌ها

مدرنیته شدن، پیشرفت جوامع، رشد و گسترش تکنولوژی در زندگی و امورات بشر سبب تغییرات و تحولات چشمگیر فرهنگی و اجتماعی در زندگی انسان شده است. همواره تغییرات اجتماعی و فرهنگی سبب تغییراتی در نوع نگرش و باور داشت‌های افراد جامعه می‌گردد. یکی از اثرات مدرنیته و دنیای جدید تمایل هر چه بیشتر افراد به انواع تجملات و بهره‌گیری هر چه بیشتر از امکانات و لذت‌جویی‌ها و به دنبال رفع خواسته‌های فردی و دنبال کردن علایق و سلاقی مادی و درواقع ترویج فردگرایی و مادی‌گرایی می‌باشد. این نوع تفکر خواه‌ناخواه بر تفکر فزندآوری و تمایل به باروری و بارداری زنان تأثیرگذار بوده و درواقع به دنبال افزایش این تفکر فردگرایانه و مادی خواهانه، کاهش فرزند آوری را شاهد هستیم. همین‌طور در میان صحبت‌های مادران مصاحبه مذکور، نگرش و فهم مادری در آنان دچار تحول شگرف شده بود. هرچند تا جایی، نسبتاً بر مواهب فرزند اعتقاد داشتند، اما این مسئله را هم عنوان می‌کردند که خود با مادری کردن به این نتیجه رسیده‌اند که همین مادری کردن درواقع در مواردی قربانی کردن خودشان و به فراموشی سپردن آمال و آرزوهایشان بوده و حتی موردی وجود داشت که با همسر خود به‌یقین رسیده بودند و تصمیم حتمی و نهایی گرفته بودند که به‌هیچ‌عنوان به فرزند آوری و پدر و مادر شدن فکر نکنند و درواقع می‌توان گفت که در میان این مادران و زنان نگرش به «مادری» دچار تحول اساسی شده بود و علیرغم اینکه این مادران، در حق فرزندان خود مادری هم کرده بودند، اما در گفته‌هایشان، رنگ و بوی دیگری از مادری را هم می‌شد ملاحظه کرد. همچنین در صحبت‌های آن‌ها اشاره بر این بود که تا زمانی فرزند آوری برای حمایت آن فرزند از پدر و مادرش در آینده و در اصطلاح خودشان «عصای پیری آن‌ها شدن» بسیار بااهمیت بود، اما دیگر امروزه همه افراد جامعه به دنبال رفع حوایج و خواسته‌های زندگی خود هستند و فرزندان اگر هم بخواهند کمک‌حال و یار والدین

باشند، به حدی در مسائل و مشکلات و گرفتاری‌های روزمره زندگی خود غرق شده‌اند که دیگر مجال و فرصتی برای رسیدگی به والدین و پدر و مادر خود ندارند. جالب است بدانیم که یکی از موضوعاتی که برخی از این مادران بر آن تأکید داشتند برنامه‌هایی بود که برای ادامه تحصیل و پیشرفته آینده شغلی خود مدنظر داشتند. سوسن، ۳۰ ساله: «به نظرم فرزند زیاد داشتن واسه قدیم خوب بوده، الآن من با همین یه دونه بچه هم به‌سختی کارامو جمع می‌کنم، تازه می‌جوام واسه ارتقای شغل و حقوق خودم ادامه تحصیل بدم. اون قدیم بود که بچه‌ها یار پدر و مادر می‌شدن، الآن دیگه فقط بار شدن براشون. البته بچه‌ها هم تقصیر ندارن، مشکلات و دردهای زندگی زیاد شده».

۴-۲-۴- مشکلات دوران بارداری و پرورش فرزند

یکی از مسائلی که زنان مورد مصاحبه در این پژوهش از آن به‌عنوان یکی از مشکلاتی که سبب می‌شود تمایل چندانی به فرزند آوری نداشته باشند، هزینه‌های سنگین دوران بارداری و زایمان و هزینه‌های مراقبت و نگهداری نوزاد و پرورش و رشد فرزند در دوران دیگر زندگی او است. یکی از مهم‌ترین دلایل ذکر شده در مصاحبه‌های مذکور ترس از آینده اقتصادی خودشان و فرزندانشان بود و همین‌طور یک دغدغه مهم و اساسی هم در میان صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان ترس و نگرانی از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی بود که انگیزه فرزند آوری را در آنان کاهش داده بود. مریم، ۲۴ ساله: «وای من با همین یه بار بارداری هزار بار مردم وزنده شدم. تازه بچه به دنیا میاد هر روز کارهاش برای آدم سخت‌تر میشه. بعد از اون هم تا بزرگ بشه و سر و سامون بگیره اسیرش هستی»

۴-۲-۵- محدودیت‌ها و مشکلات فیزیولوژیکی

از محدودیت‌ها و مشکلاتی که در میان موارد مطرح شده مصاحبه‌شوندگان جلب توجه می‌کرد مشکلات و صدمات جسمی زن و مرد و نیز افزایش سن و نگرانی از بروز خطرات بارداری در سنین بالا و نیز تمایل زنان به داشتن مدیریت برای بدن خود و حفظ زیبایی ظاهر و آراستگی و تناسب‌اندام و بدن خویش هم از موارد عدم تمایل و علاقه به فرزند آوری را تشکیل می‌دهند. طاهره، ۳۵ ساله: «ای بابا! دیگه واسه بچه‌دار شدن مجدد از ما گذشته. سن من و همسرم دیگه بالا رفته، تازه بعد از بارداری و زایمان‌های قبلی‌ام کلی زحمت کشیدم و هزینه کردم تا بدنم و ظاهرم دوباره میزون شده».

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف نهاد خانواده به‌عنوان مبنایی‌ترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی، فرزند آوری و تولید نسل می‌باشد. در جامعه امروزی به دلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی سریع و وسیع، فرزند آوری و افزایش جمعیت با مشکل اساسی مواجه شده است. در این پژوهش سعی شد تا تأثیر این تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر فهم زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری بررسی و سنجیده شود. با انجام مصاحبه پنج مقوله مهم و اساسی استخراج شد که نشان‌دهنده نوع نگرش زنان مذکور از فرزند آوری است که عبارت‌اند از:

۱ - فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی.

۲ - عدم توجه به نقش‌های جنسیتی.

۳ - تحول در باور داشت‌ها و نگرش‌ها.

۴ - مشکلات دوران بارداری و پرورش فرزند.

۵ - محدودیت‌ها و مشکلات فیزیولوژیکی.

با تبیین و تحلیل مقوله‌های فوق می‌توان به‌طور کلی نتیجه گرفت که: فهم و درک زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری در اثر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نشان‌دهنده این است که نگاه و نگرش آن‌ها به فرزند آوری و باروری دچار تغییر و

تحول اساسی شده است و این نوع فهم و نگرش، آنان را به تمایل هرچه کمتر برای داشتن فرزند و مادری سوق داده و سبب کاهش میزان باروری و فرزند آوری آن‌ها شده است. در این پژوهش مشخص شد که دقیقاً برخلاف پژوهشی که کلاتری و همکاران (۱۳۸۹) انجام داده بودند و به این نتیجه رسیده بودند که گرایش مذهبی تأثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزند آوری داشته است، اکنون دیگر چنین نیست و تغییر در نگرش فهمی که زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری داشتند، گرایشات مذهبی آن‌ها هم تأثیری نداشته و سبب افزایش تمایل آن‌ها به فرزند آوری نبوده است، هرچند زنانی که مذهبی‌تر بودند اعتقاد به فرزند آوری بیشتر هم داشتند، اما عوامل و مشکلاتی را برمی‌شمردند که سبب کاهش تمایل خود آن‌ها هم به فرزند آوری شده است. همچنین نتیجه این تحقیق با تحقیق صورت گرفته توسط موسی و قافله باشی (۱۳۹۳) که نشان داده بود که عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل چون اعتقادی، فرهنگی، هویت شناختی و جسمانی بر نگرش منفی خانواده‌های جوان به فرزند آوری تأثیرگذار بوده است تا حدی همسو بود که در نتایج پژوهش حاضر نیز عوامل اقتصادی نقش مهم و پررنگی در کاهش تمایل زنان به فرزند آوری شده بود، اما عوامل دیگر هم بسیار تأثیرگذار بود و نیز در نتایج تحقیق پیش رو مشخص شد که داشتن حمایت اجتماعی بر گرایش به داشتن به فرزند دیگر و نیز بین اشتغال زنان و عدم گرایش به فرزند آوری رابطه وجود دارد و این‌ها بر گرایش به فرزند آوری تأثیرگذار هستند و پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۹۴) نیز به این نتایج رسیده بود که بین متغیر حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنادار به دست آمده است، اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معناداری به دست نیامده است. نتیجه این پژوهش و تحقیقات و مطالعات مشابه با این پژوهش موید این نکته است که باید در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، نتایج حاصل از این پژوهش‌ها را لحاظ کرده و مدنظر قرارداد تا بتوان علاوه بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، زیرساخت‌های لازم و ضروری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و انسانی را جهت ترغیب و تشویق فرزند آوری فراهم و مهیا کرد. پس اینکه با شعار و تبلیغات، خانواده‌ها را تشویق به فرزند آوری کنیم برای حل این مسئله کافی نیست و باید به صورت بنیادین و با برنامه‌های مدون کارشناسی شده برای حل این مشکل و معضل در جامعه قدم برداشت.

۶- منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- ادیبی سده، مهدی؛ سیاه‌پوش، اسحاق؛ و درویش زاده، زهرا (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۱).
- ۳- آقا بخشی، حبیب (۱۳۸۳). *اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده*. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- ۴- ایمان، محمدتقی؛ گلی، علی؛ و زارع، اسماء (۱۳۹۴). مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزند آوری آنان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۵(۱۴).
- ۵- بستان، حسین (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. چاپ چهاردهم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۶- حاجیان، بهجت؛ و مریم مکتوبیان (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان از فرزند آوری. *فصلنامه جمعیت*، ۲۲(۹۱ و ۹۲).
- ۷- حقیقی مهر، ابراهیم (۱۳۸۴). نگاهی به تحول خانواده در ایران و جهان و عوامل مؤثر بر آن. تاریخ دسترسی: ۹۹/۲/۱۵. www.amar.org.ir
- ۸- خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ و سرایی، حسن (۱۳۹۱). قصد تک‌فرزند و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۳(۱).
- ۹- رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهقان استان اصفهان. *جمعیت*، ۳۳(۳ و ۳۴).

- ۱۰- سایت خبری انتخاب (۱۳۹۹). تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۴/۷، www.entekhab.ir
- ۱۱- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.
- ۱۲- عبدالهی، عادل؛ و رحیمی، علی (۱۳۹۶). بساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزند آوری و موانع پیش رو. *مطالعات موردی کاربران اینترنتی مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰ (۷۷).
- doi:10.22095/JWSS.2017.59711
- ۱۳- فولادی، محمد (۱۳۹۰). تأملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن. *فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۳ (۱).
- ۱۴- کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن؛ و جهانبخش گنجه، صادق (۱۳۹۶). تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزند آوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۶ (۱).
- ۱۵- کشاورز، حمید؛ حقیقتیان، منصور؛ و توسلی دینانی، حدیجه (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزند آوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹ - ۲۰ ساله شهر اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۲).
- dor:20.1001.1.20085745.1392.24.2.6.8
- ۱۶- کلانتری، صمد؛ عباس زاده، محمد؛ امین مظفر، فاروق؛ و راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزند آوری و برخی عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، ۲۱ (۱).
- dor:20.1001.1.20085745.1389.21.1.5.4
- ۱۷- مشفق، محمود؛ مرادی ثانی، قدرت؛ و حسین‌خانی، سحر (۱۳۹۵). تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزند آوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور. *جمعیت*، (۹۵ و ۹۶).
- ۱۸- سادات قافله‌باشی، مهدیه؛ و موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزند آوری در خانواده‌های جوان ایرانی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱ (۲). doi:10.22051/JWFS.2014.1504.
- ۱۹- نوری زاده، محبوبه؛ کلانتری، اسماعیل؛ و حبیبی، سعید (۲۰۱۷). مدل‌سازی نگرش شهروندان استان تهران به محصولات غذایی تراریخته با معادلات ساختاری. *سیاست علم و فناوری*، ۱۰ (۴)، ۷۷-۹۹.
- dor:20.1001.1.20080840.1396.10.4.7.2

Exploring the Understanding of Childbearing among Employed Women in South Tehran

Elahe Alikhani^{1*}

1- Professor, Department of Psychology, Shahdad Dairy Industries Training Center, University of Applied Science and Technology, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Alaheh.alikhani@ut.ac.ir

Abstract

The declining tendency toward childbearing in recent decades has raised concerns among scholars in various fields across Iran. This study aimed to explore the perceptions and attitudes of employed women in South Tehran toward childbearing. Conducted using a qualitative method and a phenomenological approach, the research gathered data through in-depth interviews. The findings indicate that employed women's attitudes toward childbearing have undergone significant changes due to recent social, cultural, and economic transformations. Participants no longer view childbearing as a traditional necessity, but rather as a decision dependent on personal, economic, professional, and lifestyle factors. Many cited concerns such as the inability to afford child-rearing expenses, difficulties in balancing motherhood with professional roles, and anxiety about their children's future as key reasons for their reduced willingness to have children. Overall, the results suggest that the new understanding of motherhood and fertility among employed women has led them toward more conscious decision-making and, in some cases, avoidance of childbearing altogether. This shift in perspective may be considered one of the contributing factors to declining fertility rates in urban areas, particularly among working women.

Keywords: family, childbearing, fertility, women, perception.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)